

پیرامون چند بیت از ناصر خسرو

آرش امرایی، استادیار دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، نویسنده‌ی مسئول
علی بازوند، استادیار گروه تربیت حرفه‌ای، دانشگاه فرهنگیان بحر العلوم شهر کرد

چکیده

با وجود شرح، تحلیل، تفسیر و تصحیح‌هایی چند که از دیوان ناصر خسرو منتشر شده‌است، هنوز مشکل برخی ابیات آن حل نشده باقی مانده‌است. با نگاهی کلی به شرح‌هایی دیوان ناصر خسرو، می‌بینیم اغلب شرح‌ها، جز در یکی دو مورد، شرح گزیده قصاید هستند و در این گزیده‌ها عموماً قصایدی تکراری شرح شده‌اند. در این گزیده‌ها غالباً ابیات دشوار شرح نشده‌اند و یا اگر گاهی هم بیتی شرح شده‌است، شارحان به معنای لغات آن کفایت کرده، به نوعی بر بسیاری از ابیات دشوار چشم بسته و از کنار آن‌ها گذشته‌اند. نسخه‌های چاپ شده از دیوان ناصر خسرو نیز چنین شرایطی دارند، تا جایی که برخی مصححان خود ابیاتی را نامفهوم دانسته‌اند. در این مقاله می‌کوشیم چند بیت از ابیات دشوار و مسأله دار دیوان ناصر خسرو را که بیش از دیگر ابیات در منابع درسی دانشجویان تکرار شده‌اند، شرح کنیم؛ به همین خاطر ضمن بیان همه‌ی مطالبی که در مورد این ابیات منتشر شده‌است، در پایان معنایی درست و دقیق از ابیات ارائه خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: ناصر خسرو، دیوان، شرح.

۱. مقدمه

شرح و تحلیل آثار کلاسیک شعر فارسی، کاری دشوار است و شارح برای ارائه شرحی مطمئن و قابل استناد و اعتماد، باید ضمن تسلط به شعر آن شاعر، خطوط فکری و پسندها و ناپسند‌های وی را بشناسد، از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن زمان به خوبی آگاه باشد، زمینه‌های فرهنگی شعر آن شاعر را به خوبی بشناسد، دانش ادبی کافی داشته‌باشد و در کنار همه‌ی این اطلاعات و آگاهی‌ها، توان تجزیه و تحلیل و استنتاج مناسب نیز داشته‌باشد؛ در این صورت است که هدف غایی شرح یک اثر حاصل می‌شود.

در اغلب شرح‌هایی که از آثار شاعران و نویسندگان فارسی زبان منتشر شده‌است، می‌بینیم شارحان توجه خود را به یکی از جوانب اثر مذکور معطوف می‌نمایند و از دیگر جوانب غافل می‌شوند؛ به همین خاطر اغلب شرحی مناسب از این آثار منتشر نمی‌شود. گاه در یک شرح می‌بینیم شارح به جای شرح بیت، خود را مشغول معرفی همسان‌های مضمونی آن بیت از دیگر شاعران فارسی و عربی زبان کرده‌است. زمانی هم کار شارح تنها معنای لغت‌های نه چندان دشوار است و کار شرح و تحلیل ابیات را به خواننده واگذاشته‌است. نکته‌ی بسیار مهم دیگر این که بسیاری از شارحان رسالت واقعی خود را که همان شرح و تفسیر ابیات دشوار آثار است، به انجام

مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آیی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ————— ۲۱۲۷

نمی‌رسانند و با بی‌مهری از کنار ابیات دشوار می‌گذرند؛ گو این‌که این ابیات در این آثار وجود نداشته‌اند. با در نظر گرفتن این مشکلات و بسیاری نکات و مشکلات دیگری که بر شرح آثار ادبیات فارسی و گزینش گزیده‌های آنها حاکم است، می‌توان مدعی این حقیقت تلخ بود که اغلب این شرح‌ها و گزیده‌هایی که در این حوزه منتشر شده‌اند، کمکی به مخاطبان خود نمی‌کنند. این جریان در مورد شرح‌ها و گزیده‌هایی که از دیوان ناصر خسرو منتشر شده‌است نیز صادق است. شرح‌هایی که هر کدام با عنوانی بخشی از دیوان ناصر خسرو را در برمی‌گیرند نیز مانند شرح دیگر آثار، اشکالات و لغزش‌های فراوانی دارند. از جمله مهم‌ترین اشکالاتی که بر شروح قصاید ناصر خسرو وارد است، یکی پیروی نکردن از یک شیوه مناسب در شرح ابیات است. دیگر از مهم‌ترین اشکالات این شرح‌ها، شرح قصایدی است که بارها شرح شده‌اند. شروح شکسته بسته‌ای که از برخی قصاید ناصر خسرو شده‌است، اغلب محدود به قصایدی است که در بیشتر گزیده‌ها و شرح‌ها منتشر شده‌اند. اگر قصاید شرح شده ناصر خسرو در همه آثار منتشر شده را بررسی کنیم، می‌بینیم در این همه آثار منتشر شده تنها حدود ۵۰ قصیده شرح شده‌است. به زبان دیگر، شارحان به جای شرح قصایدی که شرح نشده‌اند، اغلب قصاید شرح شده را بارها بدون افزودن مطلبی جدید تنها با تکرار همان مطالب به شیوه‌ای دیگر و یا رونویسی از آثار متقدمان، شرح کرده‌اند. با وجود زحمات محققان بزرگی چون علامه دهخدا، استاد مینوی، استاد محقق و دیگر محققان متأخر هنوز بسیاری از ابیات دیوان ناصر خسرو درست و دقیق تحلیل نشده‌اند. در این مقاله برآنیم با تحلیل دقیق این ابیات، معنای شایسته‌ای از آنها برای خوانندگان ارائه دهیم. در شرح ابیات می‌کوشیم نکاتی را که دیگر شارحان در مورد ابیات منتشر، کرده‌اند را بررسی کنیم و با دلیل و برهان شرحی شایسته و مقرون به صحت را از ابیات ارائه دهیم.

لازم به ذکر است از آن‌جا که چاپ مینوی و محقق از دیوان ناصر خسرو در بین جامعه علمی از مقبولیت بیشتری برخوردار است، نسخه اساس و منبع مورد استفاده ما در این مقاله است.

قصیده ۲۱ بیت ۳۷

بر راه حقیقت رو و منگر به چپ و راست با باد مچم زاین سو و زآن سو که نه نالی

(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۴)

در خصوص این بیت ابتدا نکاتی را ذکر می‌کنیم که شارحان در شرح این بیت گفته‌اند. مهدی محقق در کتاب خود به عنوان قدیمی‌ترین سی‌قصیده منتشر شده، در شرح این بیت

۲۱۲۸ ————— مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آبی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی
می‌نویسد: «چپ و راست اشاره است به حدیثی که از پیغمبر اکرم (ص) که بدین‌گونه روایت شده است: الیَمینُ وَ الشَّمالُ مَظَلَّةٌ وَ الطَّریقُ الوُسْطیُّ هِیَ الجادَّةُ. (راست و چپ گمراهی است و راه میانه، راه راست است) ناصر خسرو در جای دیگر گوید:

چند چپ و راست بتابی ز راه چون نیروی راست در این کاروان
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۴)

به چپ و راست مدو، راست برو بر ره دین ره دین راست‌تر است ای پسر از تار طراز
(همان: ۱۱۳)

مچم: فعل نهی از مصدر چمیدن با ناز و تکبر راه رفتن. کلمه «راست» در مصراع اول مقابل «چپ» است و در مصراع دوم به معنی «مستقیم» است.

چندین در معصیت مدو به چپ و راست چون شتر بی مهار و اسب بی فسار
از بهر جست و جوی ز کار جهان و خلق گفتند گونه‌گون و دویند چپ و راست
(محقق، ۱۳۹۲: ۲۰۱)

در شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو نیز همین اطلاعات تکرار شده است بدون کم‌ترین تغییر، در واقع هیچ اطلاعاتی غیر از آنچه که در شرح سی قصیده آمده است، در شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو وجود ندارد. (ر.ک. ناصر خسرو، ۱۳۹۴: ۲۸۰)

یکی دیگر از شارحان، بیت را این‌گونه شرح می‌کند: «به چپ و راست نگرستن: اشاره دارد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص): الیَمینُ وَ الشَّمالُ مَظَلَّةٌ وَ الطَّریقُ الوُسْطیُّ هِیَ الجادَّةُ»، یعنی چپ و راست گمراهی است و راه میانگین راه راست. (نهج البلاغه، ۱۸) // چمیدن: خرامان رفتن، به آهستگی حرکت کردن // نه نالی: نی نیستی. (ناصر خسرو، ۱۳۹۱: ۱۶۱)

یکی دیگر از شارحان اطلاعاتی خلاصه‌تر از دیگر شارحان در مورد بیت ارائه می‌دهد و در شرح بیت می‌نویسد: «مصراع اول اشاره دارد به حدیث: الیَمینُ وَ الشَّمالُ مَظَلَّةٌ وَ الطَّریقُ الوُسْطیُّ هِیَ الجادَّةُ» (شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۳). مچم: فعل امر از مصدر «چمیدن» با ناز و افتخار راه رفتن، خرامیدن // نال: نی. (دزفولیان، ۱۳۷۸: ۱۸۱) در دیگر شروح این قصیده نیز اطلاعاتی بیش از آنچه که ذکر شد، ارائه نشده است و تقریباً همه مطالب را با اندکی تغییر تکرار کرده‌اند، از این رو به همین میزان اکتفا می‌کنیم.

با نگاهی به شرح‌هایی که شارحان محترم از بیت ارائه داده‌اند، متوجه یکسانی آن‌ها می‌شویم.

جالب این‌که هیچ‌کدام از شارحان بیت را برای مخاطبان خود معنا نکرده‌اند. بیت در ظاهر هیچ لغت و یا ترکیب دشواری ندارد. از نظر مفهوم و معنا هم به نظر می‌رسد با کم‌ترین تلاش ذهنی درک می‌شود. اما اگر معانی ارائه شده برای واژه‌های بیت را در کنار هم بگذاریم، می‌بینیم با این معانی، بیت معنایی درست و دقیق ندارد. صرف نظر از دیگر بخش‌های بیت و ارتباط مصرع اول با کلام رسول اکرم (ص) تنها در مورد یک واژه از بیت سخن می‌گوییم که حکم کلید معنایی بیت را دارد. واژه «مچم» همان واژه‌ای است که در معنای این بیت نقشی محوری دارد. اما پیش از توضیح در مورد بیت، ببینیم فرهنگ‌ها در مورد این واژه چه نوشته‌اند. «چمیدن بمعنی خرامان بر راه رفتن باشد. (برهان قاطع، ذیل: چم) بناز و تکبر رفتن. (صحاح الفرس، ذیل: چم). روان‌شدن از روی تکبر و خرامان بر راه رفتن. (ناظم‌الاطباء) با ناز و کرشمه و چم و خم راه رفتن و خرامیدن. راه رفتن سالانه سالانه. مغرورانه و نرم نرمک گام برداشتن. در گردشگاهها به آهستگی رفتن و سیر و تماشا کردن. // به معنی میل کردن و برگشتن و پیچ و خم خوردن هم آمده‌است. میل کردن و پیچ و خم خوردن در راه رفتن. کج مج شدن در حرکت. راه رفتن به روش مستان و تلو تلو خوردن. مطلق راه رفتن و حرکت کردن. مقابل خسییدن و نشستن. حرکت کردن و از پای نشستن. // تافتن. // راغب شدن. // پسچیدن. // کج کردن.» (دهخدا، ذیل: چمیدن) محمد معین چمیدن را این‌گونه معنی می‌کند: «چمیدن: ۱. راه رفتن بناز، خرامیدن. ۲. راه رفتن متمایل، با پیچ و خم راه رفتن. ۳. پیچ و خم خوردن.» (فرهنگ معین، ذیل: چمیدن)

اگر دقت کنیم، می‌بینیم معانی داده شده در شروح، دقیقاً همان معانی فرهنگ‌هاست؛ البته بدون ارجاع و استناد به فرهنگ‌ها. آنچه در مورد این بیت لازم است ذکر شود، این است که درست است که معنای واژه «چمیدن» همین معانی است که شارحان محترم ذکر کرده‌اند، اما آیا شارحان عزیز بیت را با این معنی یک بار برای خود معنی کرده‌اند؟ بی‌گمان بیت با این معنی، معانی دل‌چسب و قابل قبول برای مخاطب نخواهد داشت. این معنی برای «چمیدن» در این بیت درست نیست. چطور می‌شود با باد خرامید و به ناز راه رفت؟ اگر به ناز راه رفتن درست باشد، چپ و راست در این بیت چه وجهی دارد؟ پیش از شرح و معنای بیت، تصویری از آن را برای خود در ذهن بازسازی کنیم. در هنگام وزش باد بر گیاهان سبزه‌ها، نی‌زارها، این عناصر طبیعی چگونه برخوردی با باد دارند؟ با باد به ناز راه می‌روند یا خم می‌شوند؟ بدیهی است وزش باد بر نی‌زارها، موجب خم شدن آن‌ها در مسیر باد می‌شود؛ به محض تغییر مسیر باد، نی‌زار به همان جهت متمایل می‌شود و خم می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر این‌که، می‌دانیم در گویش‌ها و زبان‌های غرب ایران همانند گویش لری و لکی و یا زبان گُردی، هنوز واژه‌هایی استفاده می‌شوند که با آن‌که در ادبیات کلاسیک ما استفاده شده‌اند، اما امروزه از دایرهٔ واژگانی فارسی زبانان حذف شده‌اند. واژه‌هایی همچون «ویر» به معنای هوش، یاد، یا «رسن» به معنای طناب و... «چمیدن» نیز از جمله این واژه‌ها است. «چمیدن» به معنای خم شدن، متمایل شدن، کج شدن است. اگر به توضیحات لغت‌نامه دهخدا دقت کنیم، می‌بینیم این معنی به نوعی برای این واژه ذکر شده‌است. دهخدا «تافتن // راغب شدن // کج کردن» را از جمله معانی «چمیدن» دانسته‌است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل چمیدن) ناصر خسرو با بازآفرینی تصویری که در وزش باد بر نیزارها دیده‌است، می‌گوید با هر بادی از راه راست و درست خود منحرف نشو. با این توضیحات معنای درست و دقیق بیت این‌گونه است: راه حقیقت و راستی را پیش بگیر و در مسیر مستقیم (صراط‌المستقیم) گام بردار و به این سو و آن سو توجهی مکن و با کوچک‌ترین عامل به جوانب دیگر متمایل مشو چراکه تو همانند نی نیستی که به هر سوی که باد می‌وزد متمایل می‌شود.

قصیده ۲۱ بیت ۳۹

حَقِّست سخنهایش، اگر زی تو محال است بی شک تو خریدار خرافات و محالی
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۴)

در مورد این بیت متأسفانه اغلب شارحان مصلحت را بر سکوت دیده‌اند و از شرح‌های مختلف اشعار ناصر خسرو، معنایی شایسته و به قول معروف دندان‌گیر حاصل نمی‌شود. تنها یکی از شارحان بیت را معنی کرده‌است. «محال: دروغ و فریب. معنی: سخن‌های حجت حقیقت است، اما در نظر تو دروغ جلوه می‌کند، از آن روست که تو خود اهل خرافات و دروغی.» (ناصر خسرو، ۱۳۹۱: ۱۶۱)

محقق در کتاب‌های «شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو» و «شرح سی‌قصیده از حکیم ناصر خسرو قبادیانی» علی‌رغم شرح قصیده، از کنار این بیت گذشته‌اند و هیچ توضیحی در مورد آن برای خواننده ارائه نکرده‌اند.

در فرهنگ‌هایی که لغات و ترکیبات دیوان ناصر خسرو را شرح می‌کنند نیز همین معانی برای واژه‌ها ارائه شده‌است. از آن‌جا که تنها لغت قابل بحث در این بیت «محال» است، تنها در مورد این واژه اطلاعات ارائه شده در این آثار را ذکر می‌کنیم. «محال: دروغ، و باطل و لغو.» (حیدری، ۱۳۸۹: ۲۴۱)

با در نظر گرفتن همه نکاتی که در مورد بیت ارائه شده است به این نتیجه می‌رسیم که واژه مرکزی و اساسی بیت «محال» است. جالب این که شارحان این واژه را یک گونه خواننده و معنی کرده‌اند، بی توجه به این موضوع که اگر این واژه را به همین شکل بخوانیم و بیت را بر آن اساس معنی کنیم، معنایی درست از بیت به دست نمی‌آید. حال با دقت توجه می‌کنیم به این معنی. چکیده معنای این بیت از نظر شارحان این گونه است: سخن‌های ناصر خسرو به نظر تو دروغ است و تو طرفدار سخنان دروغ هستی. از این معنی می‌توان به این نتیجه رسید که تو (شخص مورد خطاب ناصر خسرو) طرفدار سخنان ناصر خسرو هستی؛ این در حالی است که به هیچ عنوان این معنی مورد نظر ناصر خسرو نبوده است و از سیاق بیان بیت و قصیده این معنی بر نمی‌آید.

تکرار یک واژه با یک معنی در یک بیت (بدون زیبایی‌های لفظی و معنوی) چندان پسندیده نیست و اغلب شاعران از این شیوه احتراز جسته‌اند. در این بیت نیز «محال» تکرار نشده است؛ بلکه آنچه در مصرع اول آمده است، با آنچه که در مصرع دوم ذکر شده است، دو واژه مختلف با دو تلفظ و دو معنای متفاوت است. در مصرع اول «محال» به معنای دروغ و بی اصل است و در مصرع دوم «محال» به معنای مکر کردن و فریفتن است. با این توضیحات چکیده معنای بیت این گونه است: چون خواهان سخنان دروغ هستی، سخنان ناصر خسرو را مکر و فریب می‌دانی. (چون سخنان ناصر خسرو سخنانی حق هستند و تو دنبال سخنان دروغین هستی، آن‌ها را مکر و فریب می‌دانی).

قصیده ۶۰ بیت ۱ و ۲

گر مستمند و با دل غمگینم خیره مکن ملامت چندینم
زیرا تا به صبح شب دوشین بیدار داشت بادک نوشینم
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

در مورد این دو بیت و به ویژه بیت دوم برخی شارحان بحث‌هایی کرده‌اند، از این بحث‌ها چنین برمی‌آید که بر روی واژه «بادک» توافق ندارند. برخی آن را به معنای باد و «ک» را نشان تصغیر می‌دانند. «شب دوشین: دوش به معنی دیشب و «ین» برای نسبت است، شب دوشین نظیر امروزمین روز. // بادک نوشین: نسیم جان بخش و روح نواز. «بادک» مصغر باد و «نوشین» در اینجا به معنی جان بخش. فردوسی گوید:

رهایی نیابم سرانجام ازین خوشا باد نوشین ایران زمین
(فردوسی، ۱۳۸۷ ج ۲: ۸۷)

مقصود از «بادک» باده نیست زیرا مدّت‌ها پیش از سرودن این قصاید، ناصر خسرو می‌خوارگی را ترک کرده بود (معنی واژه یادآوری آقای دکتر شفیع کدکنی و بیت نقل از لغت‌نامه، ذیل نوشین).» (شعار، ۱۳۸۷: ۱۷۴)

در مقابل این نظر، نظر دیگری است و آن این که «بادک» را به معنای «باده» و «می» می‌دانند. استاد محقق در شرح دو بیت می‌نویسند: «ملامت چندینم: چندین ملامت مرا. شب دوشین: دوش به معنی دیشب است و «ین» برای نسبت و ترکیب «شب دوشین» مانند ترکیب «امروزین روز» است که منوچهری به کار برده است:

ما بسازیم یکی مجلس امروزین روز چون برون آید از مسجد آدینه خطیب
(منوچهری، ۱۳۸۵: ۵۶)

بادک: باده؛ زیرا «های غیر مملووظ» در اصل کاف بوده است. «باده نوشین» نظیر «جام فکرت» است که در این شعر او آمده است:

دوش از هنگام صبح تا وقت شام بر کف دستم ز فکرت بود جام
(ناصر خسرو، ۱۳۹۲: ۱۶۸)

بررسی فرهنگ‌ها برای کسب اطلاعات در مورد «بادک» نتیجه‌ای نداشت و هیچ کدام از فرهنگ‌ها در این خصوص اطلاعاتی نداشتند و عموماً واژه «بادک» را در مدخل‌های خود وارد نکرده‌اند. اما واژه «نوشین» را گوارا، شیرین، خوش‌گوار و همچنین مطبوع، دلنشین و دلپسند معنی کرده‌اند. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل: نوشین). «نوشین» در هر دو معنی مورد استفاده شاعران و نویسندگان فارسی زبان قرار گرفته است. برای معنای «گوارا، خوش‌گوار» شواهد فراوانی در نظم و نثر فارسی می‌توان یافت. از آن جمله است:

به جوی اندرون آب نوشین روان شد از این عدل و انصاف نوشین روانی
(فرخی، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

بگیر باده نوشین و نوش کن به صواب به بانگ شیشم با بانگ افسری سگری
(منوچهری، ۱۳۸۵: ۱۵۴)

اما برای معنای مطبوع و دلپسند شواهد به این میزان نیستند و تنها یک بیت یافت شد:

رهایی نیابم سرانجام ازین خوشا باد نوشین ایران زمین
(فردوسی به نقل از دکتر شعار ص ۱۷۴)

مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آیی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ————— ۲۱۳۳

با توجه به آنچه در مورد معنای واژه‌های کلیدی بیت ذکر شد، استفاده از این واژه‌ها به هر دو معنا محتمل است. اما واقعا کدام معنا برای بیت درست‌تر و به غرض ناصر خسرو نزدیک‌تر است؟ اگر واژه‌ها را به معنای «باد» و «مطبوع» در نظر بگیریم و بیت را معنی کنیم، می‌بینیم بیت مورد نظر ما هیچ ارتباطی با دیگر ابیات قصیده ندارد و در واقع هم‌چون جزیره‌ای تنهاست که نمی‌توان ارتباطی قوی بین آن و دیگر ابیات قصیده متصور شد. حال نگاهی می‌اندازیم به ابیات قصیده.

اگر با دقت ابیات قصیده را بخوانیم، می‌بینیم تقریباً از ابتدا تا انتهای قصیده، ناصر خسرو از دو بخش زندگی خود سخن می‌گوید، بخش‌هایی که از آن‌ها با عنوان «دیروز» و «امروز» یاد می‌کند. در بیت سوم می‌گوید:

حیران و دل شکسته چنین امروز از رنج و تفکر دوش‌سینم
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

معنی: امروز به خاطر رنج و تفکر گذشته این گونه حیران و دلشکسته هستم. (امرای ۱۳۹۴:

(۷۰)

در ادامه ابیات ضمن بیان ویژگی‌های زندگی آن روزهای خود می‌گوید:

زیرا که دی به جلوه برون آورد آراسته به حله رنگینم
بر بستر جهالت و آکنده یکسر به خواب غفلت بالینم
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

معنی: در ادامه شرح زندگی خود در گذشته (دی) می‌گوید: «فلک دیروز مرا جلوه داد با جامه نو، بر بستر نادانی، و بالشی تماماً انباشته از خواب غفلت.» (شعار، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

ناصر خسرو در ادامه ابیات از شرایط پیش آمده و تغییر شرایط زندگی خود اظهار رضایت می‌کند و می‌گوید: امیدوارم که یک بار دیگر زمانه روزگار را بنده خود کند اما این بار با تفاوت دیدگاهش از دیدگاه مادی به معنوی. بنابر آنچه در مورد قصیده ذکر شد، می‌بینیم در محور عمودی قصیده، ابیات دقیقاً سر جای خود قرار دارند، ضمن این که با هم ارتباطی قوی دارند؛ بر این اساس، ابیات مورد نظر نیز در خدمت تبیین افکار شاعر هستند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از قصیده در نظر گرفت. ناصر خسرو از آغاز قصیده به داستان بیدار شدنش از خواب غفلت اشاره می‌کند و در ادامه نکات مورد نظر خود را در قصیده عنوان می‌کند. ناصر خسرو بیدار شدن از خواب غفلت را این گونه تعریف می‌کند: «شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفت چند خواهی خوردن از این

شراب که خرد از مردم زایل کند، اگر به هوش باشی بهتر. من جواب گفتم که حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند. جواب داد بیخودی و بیهوشی راحتی نباشد، حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را بیهوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید طلبد که خرد و هوش را افزایش دهد. من گفتم که من این از کجا آرم؟ گفت جوینده یابنده باشد، پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت. چون از خواب بیدار شدم، آن حال تمام بر یادم بود بر من کار کرد و با خود گفتم که از خواب دوشین بیدار شدم باید که از خواب چهل ساله نیز بیدار گردم. (سفرنامه ناصر خسرو ص ۳) باتوجه به آنچه گفته شد و قراین موجود در آثار ناصر خسرو (یکی از این قراین ذکر شد) به نظر می‌رسد اگر «بادک» را در معنای «شراب» و «باده» در نظر بگیریم، به غرض ناصر خسرو نزدیک‌تر باشد و معنای درست و شایسته‌تری از بیت حاصل می‌شود.

با این توضیحات به نظر می‌رسد معنای درست و دقیق این ابیات این گونه است: هرچند اندوهگین هستم و دلی غمگین دارم، بیهوده بیش از این مرا سرزنش مکن؛ زیرا آن شراب گوارای دیروزین مرا از خواب غفلت بیدار کرد. (چراکه خوردن شراب عامل بیداری ناصر خسرو از خواب غفلت بوده است.)

قصیده ۲۴۲ ب ۵۵

این زر کجا در شود از مشک از آن پس؟ خیزم خبری پرسم از آن درج مخبر
(ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۱۰)

این بیت یکی از ابیاتی است که استاد محقق و استاد مینوی در تصحیح دیوان ناصر خسرو آن را نامفهوم معرفی کرده‌اند. شارحان محترم نیز بر روی آن چشم بسته‌اند و آن را نادیده انگاشته‌اند و اظهار نظری در این مورد نکرده‌اند، گو این که بیت هیچ مشکل و ابهامی ندارد؛ از این رو ضروری است در مورد آن نکاتی ذکر شود. بیت مذکور بر اساس نسخه استاد مینوی و استاد محقق ذکر شده است. بیت با این کیفیت مبهم است. برای درک بهتر بیت، ناگزیر باید چند بیت قبل آن ذکر شود. این دو بیت قبل از بیت مورد نظر ما آمده‌اند:

دانا بمثل مشک و زو دانش چون بسوی	یا هم بمثل کوه و زو دانش چون زر
چون بوی و زر از مشک جدا گردد و ز سنگ	بی‌قدر شود سنگ و شود مشک مزور
این زر کجا در شود از مشک از آن پس	خیزم خبری پرسم از آن درج مخبر

(همان)

بیت سوم این ابیات، معنای درست و روشنی ندارد، این به خاطر تصحیفی است که به بیت وارد شده‌است. اگر ابیات را از نظر بگذرانیم متوجه خواهیم‌شد که شاعر در بیت اول دانا را به مُشک و دانش وی را به بوی مُشک مانند کرده‌است؛ در ادامه و در مصراع دوم تشبیه دوم را آورده‌است که یک بار دیگر دانا را به کوه و دانش وی را به زر و طلایی که در کوه وجود دارد مانند کرده‌است. ناصر خسرو در این بیت می‌گوید: دانا همانند مُشک است و دانش وی همانند بوی آن مُشک است یا همانند (دانا) کوه است و دانش وی همانند زر موجود در کوه است. (اشاره دارد به معادن موجود در کوه) در بیت دوم در ادامه می‌گوید: «اگر بو از مُشک و زر از کوه جدا شود (مُشک بو نداشته باشد و کوه هم زر نداشته باشد) سنگ (کوه) بی ارزش می‌شود و مُشک نیز دروغین و بی‌ارزش می‌شود.»

تا این جا مشکلی در ابیات نیست، مشکل در بیت سوم است. در مصراع اول بیت سوم این گونه آمده‌است: «این زر کجا درشود از مُشک از آن پس» با استناد به ابیات پیشین این بیت به این صورت بی‌گمان نادرست است؛ چراکه «زر» و «مُشک» در دو تشبیه جداگانه استفاده شده‌اند و تنها مشبّهی یکسان داشته‌اند؛ به همین خاطر نمی‌توان در این بیت این دو را مرتبط به هم دانست و گفت: «این زر از مُشک کجا می‌رود.» حال که به زعم ما بیت این گونه نمی‌تواند باشد، دیگر گزینه‌های موجود در مورد این بیت را نیز بررسی می‌کنیم.

این بیت در نسخه مرحوم تقوی به این صورت آمده‌است:

چون بوی و زر از دانش و از مُشک از آن پس خیزم خبری پرسم از آن درج مخیر

«در شرح بیت ادیب پیشاوری می‌نویسد: «به طور لف و نشر غیر مرتب چون بوی از مُشک و

زر از کان از این پس برخیزم...». حاصل بیت: به دنبال این زر و مُشک رفتم تا خبری از دهان

دانایی بشنوم.» (طاهری مبارکه، ۱۳۹۲: ۱۸۹)

بیت به چند دلیل نمی‌تواند این گونه باشد و این معنا برای بیت، معنایی فاسد است. نکته اول این که در این چند بیت، دانش به زر و مُشک مانند شده‌است اما مصحح محترم زاویه را رو به خود تغییر می‌دهد و سخن را خطاب به خود می‌کند. به زبانی دیگر خود را به نوعی غیر موجه وارد تشبیه می‌کند. نکته دوم این که در این بیت «بوی» به مُشک برمی‌گردد و قاعدتاً باید بگوییم «زر» به «دانش» اما این دو هیچ ارتباطی با هم ندارند. یک بار دیگر اگر به معنی ارائه شده دقت کنیم، عدم ارتباط بین آن‌ها را بیشتر متوجه خواهیم‌شد. نکته سوم این که، این مصراع با این کیفیت، ارتباطی با ابیات قبل خود ندارد، ارتباطی که ضرورتاً باید برقرار باشد چرا که این بیت هنوز ادامه

۲۱۳۶ ————— مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آیی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی
تشبیهات موجود در ابیات قبل است؛ بنابراین تصحیح بیت به این صورت کاملاً نادرست و نارواست و معنایی قابل قبول از بیت با این تصحیح حاصل نمی‌شود.

یکی از شارحان قصاید ناصر خسرو نیز در مورد این بیت، نظری ارائه داده‌اند و ضمن معرفی شکل دیگری از بیت، نظر خود را در انتها بر آن می‌افزایند: «در نسخه بدل چاپ دانشگاه، مصراع اول چنین است: «این بوی کجا باشد و آن راز از آن پس» اما با توجه به بیت قبل که صحبت از «زر» و «سنگ» نیز بود شاید در اصل مصراع به جای «مشک»، «سنگ» بوده‌است:

این زر کجا درشود از سنگ از آن پس خیزم خبری پرسم از آن درج مخبر
در این صورت بیت هیچ اشکالی پیدا نمی‌کند. (طاهری مبارکه، ۱۳۹۲: ۱۹۰)

آنچه که در نسخه بدل چاپ دانشگاه آمده‌است که به همان دلیلی که شارح محترم ذکر کردند کاملاً مردود و غیر قابل دفاع است اما نظر شارح محترم نیز نادرست است. درست است که به این صورت (این زر کجا درشود از سنگ از آن پس) بیت هیچ اشکالی پیدا نمی‌کند اما تشبیه دیگر موجود در ابیات از نظر پنهان مانده‌است و این خود اشکالی اساسی است. اگر قرار بود که شاعر در پایان تنها از یک تشبیه سخن بگوید، دلیلی نداشت که دو تشبیه در ابیاتش بیاورد. این نظر در مورد این مصراع هم به دلیل در نظر نگرفتن بخشی از ابیات نادرست است.

با در نظر گرفتن همه جوانب، به نظر می‌رسد تنها با تغییری کوچک در مصراع اول می‌توان بیت را به بهترین شکل ممکن خواند و معنا کرد. از آنجا که اینجانب هیچ نسخه بدلی در اختیار ندارم، این نظر تنها بر اساس نظر شخصی و تجربیات تحقیق در دیوان ناصر خسرو اظهار می‌گردد. به نظر می‌رسد شکل درست و نزدیک به صحت بیت این گونه باشد:

این زر کجا درشود و آن مشک از آن پس خیزم خبری پرسم از آن درج مخبر
با در نظر گرفتن بیت به این صورت هم دو تشبیه مذکور در ابیات قبل در بیت حضور دارند و ارتباط بین بیت با ابیات قبل حفظ شده‌است.

۲. نتیجه

با دقت در ابیاتی که در این مقاله بررسی شده‌اند و بسیاری دیگر از آثار شرح شده از شاعران فارسی زبان، می‌توان به این نتیجه رسید که شرح اشعار کلاسیک فارسی کاری بسیار دشوار است و شارح برای ارائه شرحی شایسته نیازمند اطلاعاتی همه جانبه از شعر شاعر، اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن زمان و بسیاری دیگر از زمینه‌های فرهنگی موجود در اشعار است. از آنجا

مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آیی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ————— ۲۱۳۷

که نسخه‌های صددرصد قابل اعتماد از آثار این شاعران در دست نیست و نسخه‌های موجود هرچند اندک تفاوت‌هایی با هم دارند، ضروری است محققان و نویسندگان و ادیبان شناسان با بررسی شروح منتشر شده، معنای شایسته و نزدیک به صحت از شعر شاعران را ارائه دهند و این میسر نخواهد شد مگر با ابراز نظر و بررسی و نقد شرح‌های منتشر شده از آثار این شاعران. در این مقاله ضمن در نظر گرفتن نکات لازم، چند بیت مسأله‌دار ناصر خسرو بررسی شد و معنایی قرین به صحت برای آن‌ها ارائه شده است.

منابع

- نهج البلاغه. ترجمه‌ی جعفر شهیدی. چ ۸۲
- امرای، آرش. (۱۳۹۴). *ساغری از دریا*. تهران: انتشارات ارشد سپاهان.
- برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۱). *برهان قاطع*. تهران: امیر کبیر.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۹۱). *سی قصیده ناصر خسرو*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- حیدری، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ لغات و واژه‌های ترکیبی دیوان ناصر خسرو همراه با شرح/اعلام*. اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- دزفولیان، کاظم. (۱۳۸۷). *در لفظ دری*. تهران: انتشارات طلایه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- شعار، جعفر. (۱۳۸۷). *گزیده اشعار ناصر خسرو*. تهران: انتشارات قطره.
- شمس منشی، محمد بن هندوشاه. (۱۳۵۵). *صحاح الفرس*. تهران: بنگاه ترجمه م نشر کتاب.
- طاهری مبارکه، غلام محمد. (۱۳۹۲). *برگزیده قصاید ناصر خسرو*. تهران: انتشارات سمت.
- غلام‌زبایی، محمد. (۱۳۸۴). *سی قصیده ناصر خسرو*. تهران: انتشارات جامی.
- فرخی سیستانی، علی بن جولوغ. (۱۳۹۲). *دیوان، تصحیح، تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی*. تهران: سنایی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *متن انتقادی شاهنامه*. از روی چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- محقق، مهدی. (۱۳۷۴). *تحلیل اشعار ناصر خسرو*. تهران: دانشگاه تهران.
- ؛ بستان شیرین، کبری. (۱۳۸۸). *فرهنگ لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان ناصر خسرو*. بازمینی و اصلاح مهدی نوریان، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران
- دانشگاه مک گیل

- ۲۱۳۸ ————— ❁ مجموعه مقالات سیزدهمین گردهم‌آیی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی
معین، محمد. (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منوچهری، احمدبن قوص. (۱۳۸۵). دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
- ناصر خسرو. (۱۳۸۲). سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین‌پور، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۳۸۷). دیوان اشعار ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- (۱۳۹۱). شرح دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی. به شرح محمدحسین محمدی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران: انتشارات زوآر.
- (۱۳۹۲). شرح سی‌قصیده از حکیم ناصر خسرو قبادیانی، به شرح مهدی محقق، تهران: انتشارات توس.
- (۱۳۹۴). شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو. به شرح مهدی محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.